

# چرا حالا جرمنی و سایر کشورهای اروپایی می توانند ده ها هزار

## افغان را دیپورت کنند

نویسنده: میرین گیدا/ مترجم: جانعلی شکرعلیزاده



مرکل به رای دهندگان خوشبین اذعان کرد که سیاست مهاجرتی او باعث شکست اش شده است. او گفت اگر می توانست به گذشته برگردد خود را بهتر آماده این وضعیت می کرد و کشور جرمنی را در تابستان ۲۰۱۵ در وضعیتی که آمادگی نداشت قرار نمی داد. او شعار ما می توانیم را تکرار نکرد. در سفری سه روزه به آفریقا در تاریخ ۱۹ اکتبر از آمدن مهاجرین به جرمنی هشدار داد. او گفت اکثر جوانانی که به اروپا می آیند درک غلطی از اروپا دارند و در آدیس آبابا پایتخت اتیوپی گفت آنهايي که جان شان را به خطر می اندازند و به اروپا می آیند نمی دانند چه در انتظارشان هست، حتی نمی دانند که به آنها اجازه ماندن داده نخواهد شد. این گفته ها به افغان های مهاجر جرمنی هم اعمال میشود. از آنجایی که تعداد اخراج شوندگان زیاد هست سازمان های کمک دهنده هشدار دادند که افغانستان توان رسیدگی به این همه اخراج کننده ها را ندارد در جنگ های اخیر بیش از یک میلیون بیگانه پناهجو هزاران نفر در کمپ های موقت در افغانستان زندگی می کنند. اکثر آنها به آب سالم دسترسی ندارند و از مراقبت های بهداشتی خبری ندارند. در ماه سپتامبر سازمان ملل درخواست عاجل ۱۵۲ میلیون دلار برای بیجا شدنگان کرد. تعداد بیجا شدنگان در حال افزایش هست. در ماه جون وزیر ایالات و سرحدات پاکستان عبدالقادر بلوچ به سيات خبری ایرین خبر از بحران بشری داد گفت اسلام آباد از مهاجرین خواسته است تا پایان سال این کشور را ترک کنند بلوچ از دولت افغانستان و جامعه جهانی خواست برای جابجایی این افراد کمک کند. سازمان ملل گفت تاکنون ۳۷۰۰۰۰ نفر از پاکستان اخراج شدند و تا آخر سال انتظار داریم این رقم به ۶۰۰۰۰۰ برسد. اخراج آنها باعث ترس شدن درخواست پناهنده گي نشان از اروپا خواهد شد. اروپا هم تعداد زیادی از آنها را به میدان هوایی کابل رسانده و سپس به حال خودشان رها می سازند. شهر امن تر از جاهای دیگر هست اما ریسک بالایی دارد در ۱۱ اکتبر در غرب کابل در یک مکان مذهبی ۱۴ نفر از شیعیان جان خود را از دست دادند. عبدالله می ترسد جرمنی درخواست وی را رد کند در آنتورپ او یکی از مسافری این هواپیما خواهد بود که به کابل برگردانده شود. او می ترسد اگر که بمانه اما حالا او می ترسد که ممکن است عهد شکنی کند.

کشور بالاست. در جنوری سال ۲۰۱۶ این میزان به ۶۲ درصد رسید. دلایل اصلی افزایش نگرانی مردم طبق گزارش شرکت YouGov یک سری اذیت و آزار جنسی زنان و حملاتی که در اوایل سال نو میلادی در شهر کلن رخ داده می باشد. همچنین طبق گزارش های رسیده ۶۵۰ زن شکایت کردند که مردانی از شمال آفریقا و عرب تبار به آنها تعرض و اموال شان را دزدیده اند. در یک مصاحبه ای با روزنامه جرمنی به نام بیلد وزیر عدلیه این کشور گفت او معتقد است که حملات مهاجرتی شده بودند. اینکه تعداد زیادی جمع شوند دست به ارتکاب جرمی بزنند مشخص است که برنامه ریزی شده بوده است.

به همکاران دولت افغانستان در بازگشت پناهنده گان و مهاجرین است. گفته های او تغییر سیاست پذیرش مهاجرین را جرمنی را برجسته ساخت. کشوری که بیشتر یک میلیون مهاجر را در سال ۲۰۱۵ پذیرفت دیگر به مهاجرین خوش آمد نخواهد گفت. جرمنی یکی از کشورهای بود که کوشش می کرد این موفقت نامه عملی شود البته این تلاش تا حدودی به خاطر تحمل فشار ناشی از حجم مهاجرینی که سال گذشته وارد جرمنی شدند می باشد. ۱.۱ میلیون مهاجر در سال ۲۰۱۵ جرمنی آمده بودند و از این تعداد ۱۵۴۰۰۰ نفر افغان هستند. تازه واردین تهدیدی به ایجاد مشکلات در کشور شده است و در سراسر جرمنی، حمایت عمومی برای استقبال از پناهجویان کاهش یافته است. در اکتبر ۲۰۱۵ یک شرکت بریتانیایی به نام YouGov در یک نظرسنجی نشان داد که ۵۵ درصد مردم جرمنی به این نتیجه بعد از پایان جنگ جهانی دوم بود.

شده اتحادیه اروپا و افغانستان با همکاری هم حجم عظیمی از مهاجرین را برگشت بدهند. در میدان هوای کابل ترینال جدیدی به همین منظور ایجاد می کنند. جرمنی با افزایش تعداد مهاجرین در افغانستان یک کنفرانس بین المللی به هدف جمع آوری کمک های بیشتر برای افغانستان برگزار شد. در اجلاس سران اتحادیه اروپا آنها تعهد دادند که ۵.۶ میلیارد دلار در طول چهار سال به افغانستان کمک کنند سازمان عفو بین الملل نسبت به این عمل اتحادیه اروپا واکنش نشان داد و از معامله دیپورت مهاجران با دولت افغانستان انتقاد کرد و گفت این تجارت دولت افغانستان که در قبال دیپورت مهاجرین کمک های بشری دستشان دریافت کنند مایه ننگ هست. سازمان حقوق بشر در بیانیه ای گفت. «این نشان دهنده یکی دیگر از لحظه های تاریک در روابط خارجی اتحادیه اروپا است.» نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست امنیتی، فدریکا موگرینی، اتهام را تکذیب کرد. او در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت. «هرگز، هرگز شرطی بین کمک های انکشافی و آنچه که در مورد مهاجرین صورت می گیرد وجود ندارد.»

در ماه مارچ هرچند بررسی هایی انجام شد که آیا ارتباطی بین طرح اخراج مهاجرین و دولت افغانستان هست یا نه، در سوم ماه مارچ سازمان دیده بان دولت ها سازمان غیر انتفاعی است که نظارت بر آزادی های مدنی در اروپا را به عهده دارد به یک یاداشتی دست یافت که با دولت افغانستان در مورد مهاجرین بحث داشتند. این سند از طریق چند مرجع به موضوع اخراج

شده اتحادیه اروپا و افغانستان با همکاری هم حجم عظیمی از مهاجرین را برگشت بدهند. در میدان هوای کابل ترینال جدیدی به همین منظور ایجاد می کنند. جرمنی با افزایش تعداد مهاجرین در افغانستان یک کنفرانس بین المللی به هدف جمع آوری کمک های بیشتر برای افغانستان برگزار شد. در اجلاس سران اتحادیه اروپا آنها تعهد دادند که ۵.۶ میلیارد دلار در طول چهار سال به افغانستان کمک کنند سازمان عفو بین الملل نسبت به این عمل اتحادیه اروپا واکنش نشان داد و از معامله دیپورت مهاجران با دولت افغانستان انتقاد کرد و گفت این تجارت دولت افغانستان که در قبال دیپورت مهاجرین کمک های بشری دستشان دریافت کنند مایه ننگ هست. سازمان حقوق بشر در بیانیه ای گفت. «این نشان دهنده یکی دیگر از لحظه های تاریک در روابط خارجی اتحادیه اروپا است.» نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست امنیتی، فدریکا موگرینی، اتهام را تکذیب کرد. او در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت. «هرگز، هرگز شرطی بین کمک های انکشافی و آنچه که در مورد مهاجرین صورت می گیرد وجود ندارد.»

در دوم اکتبر همین سال دولت افغانستان با اتحادیه اروپا بعد از سه ماه مذاکره قرارداد بازگشت مهاجرین را امضا کرده است. این معامله به اتحادیه اروپا اجازه می دهد تعداد نامحدودی از افغان ها را به کشورشان بازگرداندند. فقط تعدادی که اجازه اقامت دریافت کردند می توانند بمانند. (هرچند طالبان و گروه اسلامی موسوم به داعش مناطق مختلفی از افغانستان را در کنترل خود دارند اما اعضای اتحادیه اروپا اکثر مهاجرین افغان را مهاجر اقتصادی می دانند بدان معنی است که آنان حق پناهنده گي ندارند.) اتحادیه اروپا قبل از امضا موفقت نامه هم می توانست پناهنده گان افغان را به کشور دیپورت کند اما آنها همکاری حکومت را با تأخیر انجام میدهند و بناءً تعداد کمتری را می توانستند به کشور دیپورت کنند. اما با انجام این معامله کشورهای اروپایی تعداد مهاجر بیشتری را با سرعت بیشتری می توانند دیپورت کنند. در این قرارداد ذکر

ساختمان شماره ۶۹ هافمنسترس در مونیخ جرمنی شبیه بسیاری از مجموعه های اداری دیگر هست. این ساختمان مستطیل شکل سفید رنگ زمانی مقر غول مهندسی جرمنی یعنی زیمنس بود، حالا تبدیل به خانه ۶۸۰ مهاجری شده است که منتظر دریافت پاسخ دولت درباره سرنوشت شان هستند. در میان آنها عبدالله سسی ساله ( نام واقعی او نیست) با دو برادر، همسر و سه فرزندش است. سال گذشته در ماه سپتامبر بعد از فرار از کابل پایتخت افغانستان به جرمنی رسید. او نخواست هویتش افشا شود چرا که درخواست پناهنده گي شان هنوز نهایی نشده است.

عبدالله می گوید او ژورنالیست بوده به همین خاطر از طرف طالبان بارها مورد تهدید قرار گرفته ( او از ما خواست نام روزنامه ای که در آن کار می کرد محفوظ بماند. او مقالات تندی علیه طالبان می نوشت). سرانجام در تابستان سال ۲۰۱۵ طالبان سعی کرد او را بکشد. او می گوید با پدر و برادر داخل موتر به سمت محل کار می رفتم به مسجدهای نزدیک می شدیم که بمبی در پیش رویمان منفجر شد، هر سه شان جان سالم بدر بردند اما عبدالله آشفته شد و تصمیم گرفت که دیگر نمی تواند در افغانستان بماند. عبدالله با خانواده اش توانست با شیه نظامیان ۳۷۰۰ مایل فاصله بگیرد اما طبق توافق جدید اتحادیه اروپا جرمنی می تواند تمام تلاش های عبدالله را نقش بر آب کند.

در دوم اکتبر همین سال دولت افغانستان با اتحادیه اروپا بعد از سه ماه مذاکره قرارداد بازگشت مهاجرین را امضا کرده است. این معامله به اتحادیه اروپا اجازه می دهد تعداد نامحدودی از افغان ها را به کشورشان بازگرداندند. فقط تعدادی که اجازه اقامت دریافت کردند می توانند بمانند. (هرچند طالبان و گروه اسلامی موسوم به داعش مناطق مختلفی از افغانستان را در کنترل خود دارند اما اعضای اتحادیه اروپا اکثر مهاجرین افغان را مهاجر اقتصادی می دانند بدان معنی است که آنان حق پناهنده گي ندارند.) اتحادیه اروپا قبل از امضا موفقت نامه هم می توانست پناهنده گان افغان را به کشور دیپورت کند اما آنها همکاری حکومت را با تأخیر انجام میدهند و بناءً تعداد کمتری را می توانستند به کشور دیپورت کنند. اما با انجام این معامله کشورهای اروپایی تعداد مهاجر بیشتری را با سرعت بیشتری می توانند دیپورت کنند. در این قرارداد ذکر

# استیضاح و دلایل موجه استیضاح

حفیظ الله زکی

مجلس نمایندگان، وزاری را که هفتاد در صد بودجه خود را به مصرف نرسانده اند به مجلس فرا می خواند تا در مورد مصرف نشدن بودجه آن وزارت توضیح دهند. نمایندگان هشدار داده اند؛ چنانچه توضیحات وزراء قناعت اعضای مجلس نمایندگان را فراهم نیاورند، مجلس موضوع استیضاح آنان را مورد بررسی قرار می دهد. روز شنبه مجلس سه وزیر کابینه را رد صلاحیت کرد و دیروز دو وزیر دیگر کابینه از سسوی نمایندگان رأی عدم اعتماد دریافت کردند. اگر این روند ادامه پیدا کنند، مطمئنا در روزهای آینده ما شاهد بر کناری وزرای بیشتری خواهیم بود. موضوع مصرف نشدن بودجه یک معضل جدی است که از سال ها قبل تا کنون این مشکل دامن گیر کابینه دولت بوده و همه ساله بیشتر وزارتخانه ها تنها کمتر از پنجاه در صد بودجه خودشان را مصرف می کنند؛ ولی این نخستین باری است که مجلس نمایندگان به دلیل مصرف نشدن بودجه وزراء را تا به استیضاح و سلب صلاحیت می کشاند.

در سال جاری هفده وزارت نتوانسته هفتاد در صد بودجه شان را مصرف کنند. بنابراین پای هفده وزیر در پارلمان کشانده می شود و معلوم نیست که از این تعداد چند وزیر خواهند توانست از زیر تیغ استیضاح جان سالم بدر برند. با توجه به بر کناری پنج وزیر در دو روز گذشته می توان نتیجه گرفت که میزان سلب صلاحیت وزراء، افزایش چشمگیری پیدا خواهد کرد. در قانون اساسی در کنار این که به نمایندگان مجلس صلاحیت داده شده تا هریک از وزراء را استیضاح و سلب اعتماد کنند؛ اما اضافه کرده است که رأی عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل موجه باشد. پس اگر رأی عدم اعتماد صریح، مستقیم و مستدل نباشد، تصمیم مجلس به بر کناری وزراء با اشکال مواجه می شود. با توجه به این مسأله باید اقدام مجلس نمایندگان مورد بررسی قرار گیرد. در مورد مصرف نشدن بودجه وزارتخانه ها نیز چند مسأله قابل یادآوری است:

- ۱- در پانزده سال گذشته همه ساله وزارتخانه ها با این مشکل مواجه بوده اند. پس این مشکل خاص امسال نبوده است و در سال های گذشته نیز این نقص در وزارتخانه ها وجود داشته است.
  - ۲- این مشکل به یک فرد مربوط نمی شود، با بر کناری یک وزیر و جایگزینی آن با شخص دیگر، موضوع مصرف بودجه حل نمی شود. اشتباه است اگر بپنداریم که یک وزیر هرچند لایق و شایسته بدون حل مشکلات اساسی دیگر در ادارات، بتواند بر این مشکل فایز آید. از اینرو انتظار می رود که در سال های آینده نیز مشکل عدم مصرف بودجه وجود داشته باشد.
  - ۳- در مصرف نشدن بودجه در افغانستان می توان عوامل زیادی را ردیف کرد: فساد، ناامنی، وابستگی وزارت به بودجه های غیر اختیاری، عدم ظرفیت، ناهماهنگی میان ادارات سنکتوری، مشکلات درونی ادارات، ناهمسنوبی ها و ناسازگاری ها. تمرکز گرایسی در تصمیم گیری ها و محدود سازی قدرت عمل وزراء، پروسیجر پیچیده و زمانگیر کمیته تدارکات و... از جمله عواملی اند که به حسب موارد ممکن است در مصرف نشدن بودجه نقش داشته باشند.
- بنابراین در استیضاح و رأی عدم اعتماد به وزراء باید مجموع این مسائل مد نظر گرفته شود. صرف به خاطر این که یک وزیر نتوانسته بودجه اش را به مصرف برساند، نمی شود آن وزیر را ناکارآمد دانست و به بر کناریش حکم داد. مثلا؛ ما زمانی می توانیم وزیر را مقرر بدانیم که اول کارمندان وزارت بر اساس اصل شایسته سالاری، تخصص و لیاقت فردی استخدام شده باشد، نه بر مبنای وابستگی به یک فرد زورمند. در افغانستان کارمندان با پارتی و زور در ادارات مقرر می گردد و در این روند آلوده متأسفانه نمایندگان بیشتری سهم و دخالت را دارند. در گذشته یکی از دلایل استیضاح و استجواب را همین مسأله تشکیل می داد تا زمینه برای معامله، تفرق و ترفیع وابستگان نمایندگان در وزارتخانه ها فراهم شود. اضافه بر آن، وزارت یک کار تیمی است که کارایی، مدیریت، لیاقت و تخصص تمامی کارمندان در تطبیق پلان وزارت موثر می باشد؛ وقتی کارمندان سفارشی تعیین شود، کارایی آن بخش ها آسیب می بیند و آن آسیب به تمامی بدنه وزارت سرایت می کند و...

# آسیب شناسی فرهنگی

قسمت دوم



گسیخته است، با حضورات و موانع کم تری رو به رو شود.»  
از طرفی، در طریق ارتباط فرهنگی بین ملل، لازم است عدالت اجتماعی که یکی از ریشه ها و عوامل اصلی تسلیم فرهنگی است، نیز برقرار شود. عوامل اصلی تسلیم فرهنگی است، نیز برقرار شود. منظور از عدالت اجتماعی در این سطح، توزیع عادلانه امکانات طبیعی و نعمت های خدادادی و تقسیم مناسب دستاوردهای علم و فناوری نوین است. زیرا: «وقتی جامعه ای با کساد اقتصادی رو به رو می شود، یکی از آثار مخرب آن، پدیدایی بی اعتمادی است؛ به ویژه وقتی دامنه این بی اعتمادی به اندازه ای باشد که جامعه را با بحران رو به رو کند. ج - از خود بیگانگی؛

اجتناب شود.  
حتی تصور یکی شدن و یکسال شدن فرهنگ ها نیز وحشتناک است - چیزی که شاید کم ترین پیامد آن احساس تنهایی در جهانی یکسان است. در جهانی که خرده فرهنگ ها و فرهنگ های اصیل اجتماعی رنگ باخته و همه چیز یکسان و یکنواخت گردیده باشد، دیگر تعهد وفاداری معنای چندانی ندارد و در جهان بزرگ مینیاتوری شده به شکل دهکده جهانی اگر اصالت فرهنگ ها را رعایت نکرد؛ بی هویتی و فردیت باختری به شکلی آشکار و گسترده رخ می نمایاند و به آسانی - در شلوغی جمعیت - متناهارا نادیده گرفته می شوند. «بر طبق نظریه فردیت باختری، برخی شرایطی که غالباً بر گروه ها حکمفرم است می تواند به حالت روانی فردیت باختری در افراد منجر گردد. پدیدایی این حالت در افرادی که هویت فردی خود را از دست داده و به صورتی گمنام در گروه مستحیل شده اند، مشاهده می شود. این حالت سبب می شود رفتارهای ناگهانی و دیگر شرایط عاطفی و شناختی که ویژه یک جماعت لجام

مارتین سلینگمن (۱۹۷۵)، نظر داده است که درماندگی آموخته شده در انسان ها می تواند به صورت افسردگی تجربه شود و این ویژگی افرادی است که کوشش هایشان در زندگی چنان سرخورده شده اند که ناامید و گوشه گیرند و در نهایت سر به تسلیم می نهند.»  
بنا بر عقیده ستوده (۱۳۷۶)، این روند از در نگاه کلان، به سه اعتمادی و درماندگی در سطوح ملی می رسد. پدیده بی اعتمادی - توان حرکت و خلاقیت را از شخص می گیرد و او را به موجودی بی تحرک، خنثی و فاقد معیار تبدیل می کند. در عصر حاضر، بی اعتمادی به عنوان بیماری مزمنی در کشورهای در حال توسعه درآمده است.  
بنابراین، با توجه به تأثیر فرهنگ های غالب بر فرهنگ کشورهای در حال توسعه (در حال گذار)، زمانی تبادل فرهنگی بین ملل، یک طرح کامل و همه جانبه نگر است که به فرایند انتقال فرهنگی و فرهنگی پذیری به شکلی اصولی و منطقی بپردازد؛ تا آوا: ایجاد شوک فرهنگی نکند. ثانیاً: آسیب شناسی تداخل فرهنگی در صدر امور قرار گرفته، برای آن چاره اندیشی شود. انجام این مهم امکان ندارد؛ مگر این که ویژگی های فرهنگی و حتی خرده فرهنگ ها در هر جامعه مدنظر قرار گیرد و از تفکر یکی کردن و یکدست کردن تمام فرهنگ ها و نیز از تحمیل فرهنگی

اجتماعی که خود به دست آورده اند از دست می دهند و در نتیجه آن، خود را در یک محیط اجتماعی خصمانه، بیگانه می یابند.

از منظر روان شناختی، این اصطلاح، معادل نوعی اختلال روانی و شبیه حالتی مرکب از مسخ شخصیت و مسخ واقعیت است که قبلاً به آن آشکاره شد و از جمله عوارض مسئله فرهنگ پذیری بودند. از سوی دیگر، با عنایت به این که در مسئله فرهنگ پذیری احساس بیگانگی و تنهایی و احساس نیاز برای بازگشت به اصل خویش و فرهنگ و جامعه و کشور و خانواده خود مطرح است، یکی دیگر از اختلالات روانی نیز موضوعیت پیدا می کند ( یعنی اختلال نوستالژیا) نوستالژیا، در مفهوم لغوی به معنای حسرت گذشته است؛ اما در تعریف روان شناختی، عبارت است از: «اشتیاق نوستالژیا یا ترس از تنها ماندن ارتباط دارد. به عبارت دیگر، وقتی فرد با کسی که از نظر هیجانی با او هم بستگی دارد همراه باشد، احساس آسودگی می کند... نوستالژی یک خاطره است؛ ولی در سطح عمیق تر یادآوری و تجربه مجدد ادراک هایی است که در گذشته وجود داشته اندو شخص را به هم رساند. مکان یا نزد فرد خاصی باز می گرداند و سپس به همه چیز تعمیم می یابد... از دیدگاه روان پزشکی، نوستالژیا همان اختلال اضطرابی یا خلق افسرده است. این اختلال موجب پاسخ های روانزد نامساعد به ناملایمات خاص یا گوناگون است و افراد مبتلا به این اختلال در رویارویی با حوادث و اوضاع از تلاش و یکپارچه کردن سریع اطلاعات ذهنی و هیجانی خود ناتوان اند... چنین افرادی در پاسخ به محرک ها عکس العملی شدیداً نامتناسب از خود بروز می دهند.»

بنابر گزارش ستوده (۱۳۷۶)، ملیون سیمین پنج ویژگی یسا پیامد برای از خودبیگانگی به شرح زیر قائل است: ۱- احساس بی دقتی و ناتوانی، ۲- احساس بوجی و بیهودگی ۳- بی معیاری ۴- انزوا اجتماعی و جامعه گریزی ۵- جدایی از خویشان.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷